

فرهنگ و آموزش در ایران

پیش از اسلام

(و بررسی متن پهلوی اندرز کودکان)

فریدون جنیدی (ایرانی)

الف) گفتار دیگران:

چون ما خاموش نشسته ایم، میدان برای هر گونه داوری بیگانگان، و پیروان ایرانی آنان گشاده است، و چنین است که اوستا را که کهن ترین نمونه دفتر و دیوان جهان است، برای کهن بودن با داستان هومر همزمان می شمارند!

پرویز ناتل خانلری می گوید:

«دبیره اوستایی در هنگام ساسانیان پدیدار شده است «متن اوستایی که اکنون در دست است؛ خط دقیق خاصی است که تنها برای نوشته های دینی ساخته شده و زمان وضع آن را در حدود قرن ششم میلادی شمرده اند»^(۱)

مهرداد بهار می گوید: «در ایران مدرسه و مکتب وجود نداشت»^(۲)

و نیز همو می گوید:

«کتب زرتشتی و هم شاهنامه، هر دو، مبتنی بر روایات بسیار کهن حماسی اند که طی اعصار دراز، به صورت شفاهی منتقل می شده اند، و از اواخر عصر ساسانی شروع به کتابت آنها شده است»^(۳)

و احمد تفصلی مینویسد: «ایرانیان دارای ادبیات شفاهی بوده اند»^(۴)

ب) گفتار پیشینیان:

● در کاوشهای تپه یحیی (کرمان) در لایه VI C که به زمان پنج هزار سال پیش بر می گردد، ۱۹ لوحه خطی کهن تر از خط سومری پیدا شده است.^(۵)

شاهنامه در رویدادهای زمان بهرام گور از پیدا شدن گنجی به نام گنج گاو آگاهی می دهد که دبیره ای جدا از دبیره زمان ساسانی داشته است که موبدان آنرا دبیره هنگام جمشید شماره کرده اند.

● ابوریحان بیرونی می نویسد:

«در زمان ما، در «جی» که یکی از شهرهای اصفهان است، از تل هایی که شکافته شده، خانه هایی یافتند که عدلهای بسیاری از پوست درختی که توزنام دارد و با آن کمان و سپر را جلد می کردند، پر بود و این پوستهای درخت به کتابتهایی مکتوب بود که دانسته نشد چیست»^(۶)

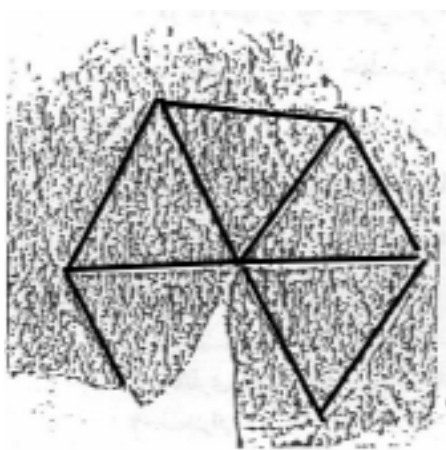
ابن ندیم آورده است:

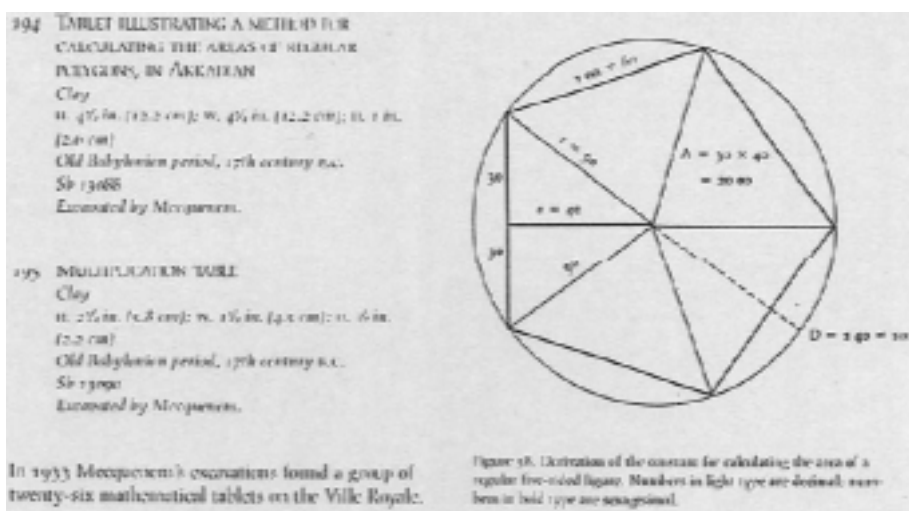
● «در سال سیصد و پنجاه قمری سغی [سقفی؟] خراب گردید که جایش معلوم نشد. زیرا از بلند بودن سقف آن گمان می کردند که توی آن خالی و مصمت است، زمانی که فرو ریخت از آن کتابهای زیادی به دست آمد که هیچ کس توانایی خواندن آن را نداشت»^(۷)

● «در کاوشهای شهر سوخته که به سال ۱۳۷۷ به سرپرستی دکتر منصور سجادی انجام گرفت، جمجمهء دختری را یافتند که از بیماری هیدروسفالی رنج می برده است. پزشکان ایرانی ۴۸۵۰ سال پیش استخوان پاریتال راست آن دختر را برداشته اند (کاری که امروز انجام میشود) تا فشار آب را بر روی مغز کم کنند. پژوهشهای پزشکان داوری می کند که آن دختر چند ماه پس از آن (عمل جراحی) به زندگی خود ادامه داده است زیرا که نسجهای استخوانی بریده شده پیرامون آن ترمیم یافته است و ترمیم تنها با زنده بودن بیمار انجام می گیرد»^(۸)

● از شوش پنج هزار ساله لوحهء گلینی که خویشکاری (تکلیف) دانش آموزان پیدا شده است که بخش بندی پیرامون دایره را به ۶ کمان برابر نشان می دهد که نشان دهنده آگاهی شگفت ایرانیان از نسبت پرتو دایره (شعاع) باشش بر منتظم محاط در دایره است!^(۹) (نگاره سوی چپ بالا)

از این برتر لوحه ای دیگر است از ۳۴۰۰ سال پیش خوزستان که پیرامون دایره را به هفت بر منتظم بخش بندی کرده است، و این کار تنها بایستی با بهره گیری از «فرمول جبری» انجام گیرد!^(۱۰) (نگاره سوی راست بالا)





در این لوحه استاد از شاگرد خواسته است که دو «قضیه» هندسی را ترسیم کند.

الف: فاصله هر نقطه از نیمساز زاویه با دو ضلع زاویه برابر است.

ب: عمود منصف پایه در مثلث دو پهلو برابر (متساوی الاضلاع) از رأس آن می‌گذرد.

شاگرد «قضیه» نخستین را کشیده است و در قضیه دوم با لرزش دست خط را با فاصله از رأس بسوی چپ کشیده.

استاد در کنار آن، عمود منصف درست را که از رأس می‌گذرد کشیده و با دو کارد «قیچی» نیمی از آن گل را پاره کرده است تا دانش آموزان دیگر نتوانند از آن برای خویشتکاری‌های آینده سود ببرند! و این کار در آن زمان، درست همانند خط زدن مشق امروز کودکان است که از آن دوباره نتوان به جای مشق تازه سود برد. از این گونه دایره‌ها که به چند بخش تقسیم میشوند، در «خبیس» (شهاداد) کرمان و (گیان) لرستان و (مارلیک) گیلان نیز یافت شده است به نشانه روشن آنکه این آگاهی‌ها تنها در خوزستان نبوده و در همه سرزمین ایران پراکنده بوده است و چنین نگاره‌ها چند هزار سال پیش از اقلیدس (که به گمان اروپائیان پدر هندسه جهان است) در ایران یافت شده است.

داوری:

گمان غربیان و پیروان ایرانی آنان را خواندید و از این گستره شگفت دانش در ایران نیز آگاه شدید. اکنون داوری با خواننده است! تنگ چشمی و کوتاه اندیشی در هر کاری نکوهیده است به ویژه در پژوهش‌های دانشی! رای آنان بر آنست که سرچشمه همه چیز را یونان بدانند و انبوه یافته‌های باستانشناسی را یا از ایران به درمی‌برند یا در همین جا نابود می‌کنند، تا مبادا نیاکان آنان، یونانیان، شاگرد استادان ایرانی در شمار آیند.

آموزش در فرهنگستانهای ایرانی:

نخستین آگاهی از رشته های آموزشی در ایران باستان بدست آمده است ، آموزش ویژه ایست که «سیاوخش» را از آن گذرانده اند.

سوارى و تير و كمان و كمند	عنان و ركيب و چه و چون و چند
نشستگه مجلس و ميگسار	همان باز و شاهين و يوز و شكار
ز داد و ز بيداد و تخت و كلاه	سخن گفتن رزم و راندن سپاه

آموزش نخستین: ورزش و آمادگی جنگی، سواری و به کاربردن ابزارهای نبرد، چون شمشیر و تیر و کمان و کمند و گرز... که ویژه همگان بود.

آموزش دو دیگر: چه و چون و چند:

الف: چه؟ «چه» در این سخن به جای دانش همگانی در آموزش امروز است زیرا که دانش آموز بایستی بدانند که هر چیز «چه» است؟ یا چیست؟

پاسخ به چیستی رویدادهای پیرامون زندگی مردمان، همان است که امروز بدان «دانش» می گویند.

ب: چون؟ در این سخن چگونه؟ و چرا؟ است.

چرا چنین است؟ چگونه چنان رویداد رخ میدهد؟ این بخش از دانش را یونانیان «فلسفه» نام نهادند.

پ: چند؟

چند یا اندازه. دانشی است که از اندازه و آمار و شمار (ریاضیات) سخن می گوید.

۱- اندازه زمین و ساختمانها و بلندا و پهنای هر چیز که امروزه آن را هندسه می نامیم.

اندازه زمین دشتها و کوه ها و رود ها و دریاها، در زمان ما جغرافیا خوانده می شود که واژه ای فرنگی

است، و برابر فارسی آن «زمین نگاری» یا «زمین پیمایی» و مانند اینها است.

این دانش در پنج هزار سال پیش بدانجا رسیده بود که ایرانیان بدانند میانه جهان زرنگ سیستان است و

به همین روی سیستان را نیمروز می نامیدند، که نیمروز نیمه جهان شناخته شده باستان است و هنگامی که در

همه جهان باستان (از ژاپن تا ایسلند) روز باشد، خورشید بر فراز نیمروز است.

بدینروی ایرانیان در آن هنگام همه جهان باستان را پیموده بودند که می دانستند میانه آن کجاست.

اندازه ساختمانها بلندی و پهنای چیزها را از آن دسته از ساختمانها که از ده هزار و چهارصد سال پیش در گنج

دره هرسین کرمانشان، و نیز شهر هشت هزارساله در تپه زاغه قزوین و چغامیش هفت هزارساله خوزستان

وشهر سوخته پنج هزار ساله سیستان می توان سنجید و داوری کرد که ایرانیان چند هزار سال پیش از یونانیان اندازه ای را که امروز هندسه می نامیم می دانسته اند.

۲ - اندازه آسمان و اختران گردش خورشید و ماه و ستارگان و برجها، و سالماری و گاهشماری. این دانش، دو بخش میشود: ستاره شناسی (نجوم)، گاهشماری (تقویم).

سدیگر: آن کسان که برای فرمانروایی آموزش می دیدند، می بایستی که افزون بر جنگاوری و دانشهای دیگر از دانشهای ویژه برخوردار باشند:

الف: داد یا داد گستری

داد گستری نیز یکی از شاخه های دانش آن روزگار بوده است و کسانی از موبدان «دات ور» خوانده می شدند که امروز «داور» شان می خوانیم از این سخن نیز روشن می شود که فرمانروایان می بایستی افزون بر دانشهای دیگر از «داد» نیز آگاه باشند تا به بیداد دست نزنند.

از آیینهای تخت و کلاه که در همین داستان از آن به نام «هنرهای شاهان» نام برده می شود، سخن گفتن خوب، آوای نرم، شیوه مهمانداری از فرستادگان کشورها، و نشستن در انجمن سور و چگونگی خوردن خوراک و نوشیدن باده، آیین شکار و نخجیر و سخن گفتن با سپاهیان و شیوه راندن سپاه و سپه کشی است که امروزه هر یک را دانشی نو می شمارند!

دراوستا واژه **دانا** به معنی آموزش فرهنگ آمده است و از این واژه دو واژه دیگر؛ نخستین

دانا و **دانا** هیرید به معنی، آموزگار و شاگرد و فرهنگ آموز برآمده است.

گونه پهلوی واژه استاد در زبان پهلوی هیریت و در زبان فارسی هیرید است به معنی آموزگار، استاد علوم، و جایی که دانش آموزان دینی در آن آموزش می دیدند، هیریتستان نامیده می شد. اما آن کسان که آموزش فرا دینی می دیدند در فرهنگستان به خواندن می پرداختند و در شاهنامه اشاره به چنین جای شده است.

سپارید کودک به فرهنگیان کسی کش بود مایه و هنگ آن

یا

به هر برزنی بر دبستان بدی همان جای آتش پرستان بدی^(۱۱)

همچنین:

فرمان بزرگمهر به پدران برای آموزش فرزندان:

فزودن به فرزند بر، مهر خویش چو در آب دیدن بود، چهر خویش
ز فرهنگ، وز دانش آموختن مجو چاره جز، جانش افروختن

اندرز بزرگمهر به پادشاه برای آموزش فرزند شاه و آینده کشور :

سپردن به فرهنگ فرزند خُرد که گیتی به نادان نباید سپرد

گفتار دیگر از کارنامه اردشیر بابکان است، آنجا که اردوان، اردشیر پانزده ساله را سرزنش می کند :
«اردشیر را به آخور ستوران فرستاد و فرمود که : بنگر که شب و روز از نزدیک ستوران به نخچیر و چوگان و فرهنگستان نروی»^(۱۲)

مدرکی دیگر که در این باره هنوز در دست است متنی است به زبان پهلوی و دین دبیره بنام «اندرخویشکاری ریتکان»^(۱۳) (در تکلیف دانش آموزان)، که در آن یک دانش آموز آموزش تکالیفی را که دارد بر شمرده است و آن یک «انشاء» به زبان امروزی است که در آن نیز به فرهنگستان به معنی آموزشگاه اشاره شده است.^(۱۴)
در مدرک بسیار ارزنده دیگر که خوشبختانه به خط پهلوی موجود است بنام «خسروکواتان و ریتک»^(۱۵) که داستان پسری است که فرهنگستان را به پایان رسانیده از شاهنشاه درخواست «کار» می کند:
«به هنگام به فرهنگستانم دادند و من در فرهنگ کردن ساخته (آماده) و شتابنده بودم»^(۱۶)
و گزیده ای از آنچه ریدک درباره آموزشهای خویش می گوید چنین است:

خواندن اوستا، نویسندگی، دانش، تاریخ، گویندگی، سواری و کمان‌وری و نیزه اندازی و شمشیرزنی، چوگان، نواختن چنگ و ون و بریت و تنبور، گُناز و سرود، و چکامه و پای بازی (رقص)، اخترماری و ستاره شناسی، شترنگ و نرد و هشت پای!

پسانگاه شاه پرسشی چند از وی می کند که به دیگر آموزشهای (مواد درسی) فرهنگستان ره می نماید و روشن می شود که افزون بر اینها، کسی که تا پانزده سالگی در فرهنگستان آموزش دیده باشد از این دانشها نیز برخوردار است:

۱ - آشپزی و خانه داری، گیاه شناسی، جانورشناسی، باره شناسی (اسب و شتر و ستور و چارپایان اهلی)، می شناسی، باده خواری، بزم آرایبی، خنیاگری، رامشگری و...

و گمان می رود که چنین آموزشها افزون بر دانشها، همانست که امروز «فوق برنامه اش» می خوانیم.
از میان هنرهای آموخته شده به خط باریک و خط راز، اشاره شده است و این خود نشان می دهد که هنر خطاطی نیز از جمله هنرهای مورد آموزش بوده است و بزرگمهر نیز درباره دانش آموختگان و ویژگیهایی که کار آنان باید داشته باشد، به همین نکته اشاره می فرماید:

بلاغت چو با خط فراز آیدش به گفتار و معنی نیاز آیدش؛
بلفظ آن گزیند که کوتاهتر بخط آن نویسد که دلخواه تر

در پندنامه‌ای که از آذرباد ماراسپندان در یکسد و پنجاه و چهار گفتار بر جای مانده است، در گفتار سیزدهم چنین آمده است:

«زن و فرزند خویشان (را) جدا از فرهنگ مهل (مگذار) که بر تو تیمار و رنج گران نرسد.»^(۱۷)

امروز روشن است که دانشگاه گنبدیشاپور پس از اسلام نیز پایدار ماند و دانشمندان در آنجا به آموزش می‌پرداختند و این پایداری چندان به درازا کشید که استادان تازه بدانجا ره یافتند و چون از دفترهای پیشین اندکی نمانده بود، آنان روی به دفتر یونانیان کردند و شیوه‌های اندیشه و دانش یونانی در آن دانشگاه روایی یافت. چنانکه تا کنون نیز از چنگ آن رهایی نیافته‌ایم. اما انبوه دانشمندان ایرانی که پایه گذاران جبرومثلثات و لگاریتم و نجوم به شیوه برتر، که چشم به یونان ندوخته بودند، تا سده‌های چهارم و پنجم آسمان دانش ایران و جهان را ستاره باران کردند.

و چون از پس سده‌ها، سرچشمه آن درخشش‌ها از چشمها دور گردید. ستارگان تازه، کور سویی می نمودند تا به یاد آن درخشش پر شکوه، خاموش نشود و فرزندان ایران، در این هنگام در اندیشه درفشداری جهان دانش، به کوشش خویش بیفزایند.

پی نوشتها:

- ۱- خانلری، تاریخ زبان فارسی جلد اول، رویه ۲۱۵
- ۲- سخنرانی مهرماه ۱۳۶۲ در انجمن زرتشتیان تهران.
- ۳- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، رویه ۱۴.
- ۴- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام؛ ژاله آموزگار؛ احمد تفضلی رویه ۱۳. و نیز در جای جای دفتر نامبرده این سخن کما بیش بازگو میشود.

ه_ C, C. LambergKarlovsky. ۱۹۸۶.

- ۶- ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه ترجمه اکبر دانا سرشت، رویه ۳۹.
- ۷- ابن الندیم، الفهرست، رویه ۲۴۰۰
- ۸- برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتاب حقوق جهان در ایران باستان، بخش آیین نظام پزشکی، چاپ دوم ۱۳۸۴، نشر بلخ.
- ۹- سهم ایرانیان در تمدن جهان. نیرنوری، و نیز تاریخ مهندسی ایران مهندس فرشاد.
- ۱۰- سرمایه‌های شرقی کلکسیونهای بزرگ جهان، دفتر چهارم موزه ایران باستان، فیروز باقرزاده، آن سوارت، ماشیکو ساکو. توکیو ۱۹۸۷.
- ۱۱- آتش پرست: نگهبان آتش
- ۱۲- کارنامه اردشیر بابکان، بهرام فره‌وشی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، رویه ۱۹
- ۱۳- ریتک پهلوی، ریدک فارسی، پسران میان ۱۰ تا ۱۵ ساله.
- ۱۴- مجموعه ۵۰ متن پهلوی مؤسسه آسیایی شیراز. (این نوشته در پایان گفتار با ترجمه آن می‌آید)

در این جا نوشتار یازند (برگردان اوستایی) اندرزِ کودکان را یادآور می‌شویم که برداشتی است از:

گنجینه دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی: ۲۷:

دستنویس ت ۲۸

متن ناقصی از: بندهش، خوشکاری ریدکان و جز آن

به کوشش: دکتر ماهیار نوایی و دکتر کیخسرو جاماسب آسا

موسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز: ۲۵۳۵

رویه: ۱۲۲ تا ۱۲۶

Handwritten text in Pahlavi script, likely a transcription of the 'Anarzu' text mentioned in the header. The text is arranged in several lines, with some words underlined or marked with small symbols. The script is dense and characteristic of the Sassanid period.

۳

و در هر یک از اینها سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

در هر روز سه مرتبه در هر روز سه مرتبه در هر روز

۴

و سبب است سرزمین و گدازه (بند) ۲ راه می باشد. و سبب است سرزمین است.
چند سبب است سرزمین است. سبب است سرزمین است. سبب است سرزمین است. و در
نهم سبب است. و در نهم سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است
سبب است سبب است و سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است
و سبب است سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است
و در نهم سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است (باز) سبب است